

زمان در زندان

بررسی سیاست‌گذاری تقویم در سال‌های

پس از انقلاب اسلامی

زهرة سروش‌فر



نشر آرمیا

۱۳۹۸

سرشناسه	سروش فر، زهره، ۱۳۶۰-
عنوان و نام پدیدآور	زمان در زندان: بررسی سیاست‌گذاری تقویم در سال‌های پس از انقلاب اسلامی / زهره سروش فر.
مشخصات نشر	تهران: آرما، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۲۲۴ ص.
فروست	کتاب‌های سرو (مطالعات فرهنگ شیعی): ۱۷ / دبیر مجموعه محسن حسام مظاهری.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۹-۶۲-۲
وضعیت فهرست نویسی	فینیا
عنوان دیگر	بررسی سیاست‌گذاری تقویم در سال‌های پس از انقلاب اسلامی.
موضوع	ایران -- تاریخ -- گاهشماری
موضوع	Iran -- History -- Chronology
موضوع	ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- گاهشماری
موضوع	Chronology -- Islamic Revolution -- History -- Iran, ۱۹۷۹ -- Chronology
رده بندی کنگره	DSR ۷۶
رده بندی دیویی	۹۵۵/۰۰۷۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۷۱۸۱۸۱



نشر آرما

زمان در زندان بررسی سیاست‌گذاری تقویم در سال‌های پس از انقلاب اسلامی

زهره سروش فر

ویرایش: گروه ویراستاری خط، افسانه دهکامه
طراحی و صفحه‌آرایی: گروه فرهنگی هنری مسک
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۷۹-۶۲-۲

شمارگان: ۵۰۰ نسخه / نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸ / قیمت ۳۰۰۰۰ تومان
کلیه‌ی حقوق محفوظ و مخصوص نشر آرما است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن (به هر صورت از قبیل کاغذی، الکترونیکی و صوتی) بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.



۹۱

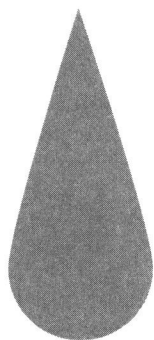
کتاب‌های سرو

مطالعات فرهنگ شیعی

دبیر مجموعه: محسن حسام مظاهری

۱۷

«کتاب‌های سرو» مجموعه‌ای از پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی در موضوع تشیع و شیعیان است. در این مجموعه، به تشیع به مثابه‌ی «دین زیسته» و از منظر دانش‌های اجتماعی (جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، ارتباطات و رسانه و مطالعات فرهنگی) پرداخته شده و مقولات و مسایل انضمامی مرتبط با این مذهب و وضعیت پیروانش در دنیای امروز مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. به تبع تنوع این مقولات و مسایل، گستره‌ی موضوعی کتاب‌ها نیز وسیع است و مواردی چون مناسک و آیین‌های شیعی (عزاداری، زیارت، نذر، اعتکاف و غیره)، سازمان رسمی شیعه (حوزه و روحانیت)، گفتمان‌های شیعی، زیست روزمره، فرهنگ مادی و معنوی شیعیان و موارد مشابه دیگر را شامل می‌شود.



فهرست

- ۱۳ ماجرای من و تقویم
- ۱۷... درآمد: چه موضوعی تقویم را به مسئله‌ای برای پژوهش تبدیل می‌کند؟
- ۱۹..... وقت طلاست
- ۲۳..... اختراع تقویم
- ۲۶..... تعلیق و تعلق
- ۲۹..... تحولات تقویم جوامع مدرن
- ۳۶..... تقویم ایران
- ۳۶..... یک چالش تاریخی
- ۳۸..... در یک زمین و چندین آسمان
- ۴۰..... جامعه مناسبی؟
- ۴۵ **بخش اول: زمان‌هایی برای سنت، سنتی برای آینده**
- ۴۷..... فصل اول: این نیز زمان است؟
- ۴۹..... زمان در عصر مدرن: دونده‌ای با کفش‌های آهنین
- ۵۶..... سیاست‌گذاری زمان: مدیریت امر سیال
- ۶۱..... دوگانه‌های زمانی: با کدام عینک می‌نگرند؟
- ۶۱..... زمان قدسی-زمان عرفی (امیل دورکیم)
- ۶۲..... برساخته ما یا من؟

۶۶ مستقیم روبه جلو؛ هیچ وقفه‌ای تحمل نمی‌شود.

۶۹ بی‌زمانی و زمان‌مندی (میرچا الیاده)

۷۳ زمان کار و زمان فراغت (نوربرت الیاس)

۷۹ زمان عادی و زمان استثنایی (ماکس وبر)

۷۹ عرف محور و نهاد محور

روزمرگی به مثابه آموزه‌ای دینی؛ کم‌رنگ شدن تمایز قدسی و عرفی

۸۲

۸۴ رستگاری در بی‌وقفه زیستن است

۸۷ هیچ لحظه‌ای خاص نیست

۹۱ **فصل دوم: حافظهٔ جمعی**

۹۵ تاریخ و حافظهٔ جمعی

۱۰۱ حافظهٔ جمعی و هویت

۱۰۴ حافظه، سنت، «ابداع سنت»

۱۱۱ **فصل سوم: تقویم**

۱۱۳ زمان به ما نظم می‌بخشد و ما به زمان نظم می‌بخشیم

۱۱۳ تقویم از آغاز تا کنون

۱۱۶ روزهایی بی‌نام

۱۱۹ کارکردهای اجتماعی تقویم

۱۲۰ یک «آن»

۱۲۱ غلیان جمعی

۱۲۲ هم‌بستگی اجتماعی و هویت جمعی

۱۲۷ افراط، تفریح و تخلیهٔ انرژی

۱۲۹ **بخش دوم: سیاست‌گذاران تقویم ایران**

۱۳۱ **فصل اول: تاریخچهٔ تقویم ایران**

- ۱۳۳ دوران پیش از ورود اسلام
- ۱۳۵ دوران پس از ورود اسلام تا قرن نهم هجری
- ۱۳۶ از قرن نهم هجری تاکنون
- ۱۳۸ تقویم ایران معاصر (پیش و پس از انقلاب)
- ۱۳۸ تدوین تقویم: چهره «منجم»
- ۱۳۹ دولتی شدن استخراج تقویم و ثبت مناسبت‌ها
- ۱۴۲ الگوهای تغییر
- ۱۴۵ دوران پس از انقلاب و دوران جنگ (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸)
- ۱۴۷ دوران سازندگی (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶)
- ۱۴۸ دوران اصلاحات (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴)
- ۱۵۰ دوران عدالت (۱۳۸۴ - ۱۳۹۲)
- ۱۵۳ فصل سوم: سازوکار تصمیم‌گیری درباره نام‌گذاری روزها**
- ۱۵۵ شورای فرهنگ عمومی
- ۱۵۶ ساختار شورای فرهنگ عمومی
- ۱۵۷ کمیسیون نام‌گذاری روزهای خاص
- ۱۵۷ فرایند تصویب مناسبت‌ها
- ۱۵۹ معیارهای نام‌گذاری روزهای خاص
- ۱۶۱ فصل سوم: ارائه یک نمونه (تقویم سال ۱۳۹۰)**
- ۱۶۳ علل انتخاب تقویم ۱۳۹۰
- ۱۶۳ توصیف تقویم ۱۳۹۰
- آخرین مصوبات شورای فرهنگ عمومی درباره ثبت مناسبت‌ها
- ۱۶۴
- ۱۶۷ بررسی مناسبت‌ها
- ۱۶۷ مناسبت‌های موجود در متن اصلی
- ۱۶۸ دسته‌بندی اول

- ۱۷۴..... دسته‌بندی دوم
- ۱۷۵..... دسته‌بندی سوم
- ۱۷۷..... دسته‌بندی چهارم
- ۱۷۷..... **مقایسهٔ مناسبت‌ها با یکدیگر و بررسی نسبت آن‌ها**
- ۱۷۷..... مناسبت‌های موجود در متن اصلی تقویم
- ۱۷۸..... دسته‌بندی اول
- ۱۷۹..... دسته‌بندی دوم
- ۱۷۹..... دسته‌بندی سوم
- ۱۷۹..... دسته‌بندی چهارم
- ۱۸۰..... دسته‌بندی پنجم

بخش سوم: تقویم از آن کیست؟

- ۱۸۳..... **سیاست‌ها**
- ۱۸۳..... تأکید بر تمایز
- ۱۸۵..... توجه به گذشته، اما کدام گذشته؟
- ۱۸۹..... **کارکردهای ناشی از تمرکز بر گذشته**
- ۱۸۹..... احیای ارزش‌ها
- ۱۹۰..... تقویت هم‌بستگی اجتماعی
- ۱۹۱..... تأکید بر مناسک و غلیان جمعی
- ۱۹۵..... فعال کردن حافظهٔ جمعی
- ۱۹۵..... **همیشه بوده‌ایم**
- ۱۹۷..... تأکید بر تصویر مظلومیت همواره
- ۲۰۱..... **فهرست منابع و مآخذ**
- ۲۰۳..... منابع فارسی
- ۲۰۴..... منابع لاتین
- ۲۰۶..... منابع استفاده‌شده از شورای فرهنگ عمومی

ضمائم ۲۰۹

ضمیمه شماره ۱ ۲۱۱

سیاست فرهنگی کشور ۲۱۱

ضمیمه شماره ۲ ۲۱۴

شورای فرهنگ عمومی ۲۱۴

اعضای شورای فرهنگ عمومی ۲۱۴

وظایف شورا ۲۱۵

دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی ۲۱۶

ضمیمه شماره ۳ ۲۱۹

آیین نامه های نام گذاری روزهای خاص ۲۱۹

آیین نامه مصوب سال ۱۳۷۲ ۲۱۹

آیین نامه مصوب سال ۱۳۸۸ ۲۲۱

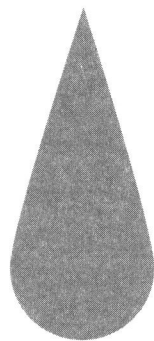
ضمیمه شماره ۴ ۲۲۲

ضمیمه شماره ۵ ۲۲۲

ضمیمه شماره ۶ ۲۲۳

نمونه هایی از ابداع مناسبت های جدید که هنوز وارد تقویم

نشده اند: ۲۲۳



ماجرای من و تقویم

ماجرای زمانی آغاز شد که برای پایان نامه کارشناسی ارشد دنبال موضوع می‌گشتم و بیش از هر موضوعی مسئله «زمان» برایم جذاب بود. هرچقدر بیشتر درباره این مفهوم اساسی و پیچیده مطالعه می‌کردم، بیشتر به آن علاقه‌مند می‌شدم و مصمم‌تر برای انتخاب موضوعی در حوزه بحث «زمان اجتماعی». این موضوع همان قدر که مرا جذب می‌کرد، برای انتخاب موضوع مشخص و قابل بررسی در حوزه مباحث جامعه‌شناختی گیج‌م‌می‌کرد؛ زیرا آن قدر گسترده و عمیق بود که نمی‌دانستم چگونه می‌توانم مسئله مشخص و کوچکی را در درون آن بیابم. بالاخره موضوعی را در حوزه مورد علاقه‌ام که جامعه‌شناسی دین بود، انتخاب کردم: ارتباط زمان با مسئله دینی. در این زمینه بسیار مطالعه و با چند استاد مشورت کردم. در نهایت، پروپوزالی نوشتم و با استاد راهنمایم، دکتر سارا شریعتی، درباره آن صحبت کردم؛ اما ایشان موضوع را بیشتر فلسفی‌الهیاتی دانستند که در قالب یک تحقیق جامعه‌شناختی نمی‌گنجید. از مشورت با ایشان سرانجام، به بررسی «تقویم» و مناسبت‌های آن و به ویژه مناسبت‌های مذهبی رسیدم؛ موضوعی که از آن زمان تا امروز هر بار با کسی آن را مطرح کردم، با تعجب و حیرت از من پرسیده است: «یعنی چه؟ چه چیزی را می‌خواستی بررسی کنی؟ دنبال چه بودی؟» و البته اعتراف می‌کنم برای خودم هم در زمان آغاز کار، به همان اندازه ناشناخته و عجیب به نظر می‌آمد. مانند وارد شدن به اتاقی کاملاً تاریک بود. تمام راه را کورمال کورمال قدم برمی‌داشتم. بارها و بارها از ادامه

کار ناامید شدم و احساس کردم در کارم با بن‌بستی مواجه شدم که نمی‌توانم از آن بگذرم؛ ولی هر بار با راهنمایی‌های دکتر شریعتی دوباره راه را پیدا کردم.

ناشناخته بودن موضوع در هر دو حوزه میدانی و نظری مصداق داشت. برای آنکه بتوانم با ابعاد مختلف موضوع آشنا شوم، به مطالعه کارهای مشابه نیازمند بودم؛ اما جست‌وجوهایم درباره تحقیقاتی مشابه در درون ایران کاملاً بی‌نتیجه ماند. بدین ترتیب، به سراغ مطالعات نظری رفتم و خیلی زود دریافتم که نظریه‌پردازی جامعه‌شناختی درباره موضوع تقویم، جدید بوده و تعداد کارهایی که در این زمینه انجام شده، نسبت به بسیاری از موضوعات دیگر، محدود است. جست‌وجو درباره موضوع تقویم، زمان اجتماعی، زمان مقدس و نمونه‌هایی از این قبیل، در حدود سه ماه طول کشید و در این مدت توانستم با وجود محدودیت‌های بسیار برای دسترسی به مقالات و کتاب‌ها، چندین و چند مقاله و کتاب را دانلود کنم. مطالعه و ترجمه این میزان از متون انگلیسی هم خود داستان دیگری بود.

مشکل دیگر دست‌یابی به اسناد و مدارک مربوط به سیاست‌گذاری تقویم بود که در شورای فرهنگ عمومی وجود داشت. به شورای فرهنگ عمومی و کمیسیون نام‌گذاری ایام خاص رجوع کردم. برای ارائه معرفی‌نامه دانشگاه و توضیح درباره کاری که می‌خواستم انجام دهم، چند بار دیگر به آنجا رفتم و با وجود آنکه در ابتدا موافقتشان را اعلام کرده بودند، در نهایت، به ارائه چندین پژوهش انجام‌شده درباره تقویم و به ویژه موضوع تعطیلات آن و برخی مطالب درباره آشنایی با شورا و اعضا و وظایفش اکتفا کردند و وقتی درخواست کردم صورت جلسات مربوط به جلسات تصمیم‌گیری در خصوص مناسبت‌ها در کمیسیون نام‌گذاری را به من بدهند، با من مخالفت شدیدی کردند و گفتند این اسناد محرمانه است و امکان دسترسی به آن‌ها برای افراد خارج از شورا نیست. به هر حال، تلاش کردم با استفاده از همان اطلاعات و اطلاعاتی که در سایت شورا موجود بود، کارم را پیش ببرم.

اما بزرگ‌ترین چالش من در این پژوهش، پیدا کردن خود تقویم‌ها بود. در ابتدای

کار، فکر می‌کردم این تقویم‌ها همه‌جا در دسترس هستند، اما فقط کافی بود وارد میدان پژوهش شوم تا دریابم هیچ آرشیوی از تقویم رسمی کشور در نهادهای اصلی مرتبط با آن وجود ندارد. به مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران رفتم و متوجه شدم تقویم‌ها را از ابتدای دهه ۸۰ در اختیار دارند و به من گفتند برای یافتن آرشیوی از تقویم‌ها بسیار تلاش کرده‌اند؛ اما تاکنون بی‌نتیجه بوده است. در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و تالارهای مختلف آن، مانند تالار ایران‌شناسی، بارها حضور پیدا کردم و به جست‌وجو پرداختم؛ اما کاملاً بی‌نتیجه بود. شورای فرهنگ عمومی هم تقویم‌ها را از دهه ۷۰ به بعد در اختیار داشتند که شورا مسئول نام‌گذاری تقویم شده بود. در کتابخانه ملی چنین آرشیوی را پیدا کردم؛ اما به من گفتند تقویم‌ها در میان تمامی اسناد دیگر غیرکتابی پراکنده است و پیدا کردنشان ماه‌ها طول خواهد کشید و هنوز به‌طور مشخص در بخش مجزایی گردآوری نشده‌اند و به همین علت، در دسترس نیستند. نبود آرشیو منسجم و در دسترس، همواره یکی از مشکلات اساسی محققان ایرانی بوده و هست؛ ولی هرگز گمان نمی‌کردم چیزی تا این اندازه دم‌دستی که در هر خانه‌ای پیدا می‌شود، تبدیل به چنین دُرّ نایبی شود! در نهایت، به سراغ همان خانه‌ها رفتم و در خانه یکی از اقوام نزدیک که به نگهداری سرسید علاقه داشت و در آن‌ها از قدیم، مطالب و خاطراتی را یادداشت کرده بود، آرشیو نسبتاً کاملی از تقویم‌ها را یافتم و آن دم، لحظه رستگاری بود!

خلاصه با مشکلات مختلفی که در راه بود، بالاخره این راه به پایان رسید و توانستم سیاست‌گذاری‌های حکومت ایران را در سال‌های پس از انقلاب درباره تقویم بررسی کنم. البته ادعا نمی‌کنم همه ابعاد آن را واکاوی‌ده‌ام و آنچه درباره این سیاست‌ها گفتنی بوده است، بیان کرده‌ام. مطمئن هستم این ابتدای راه است و اگر آن را ادامه دهم، در آینده به مسائل وسیع‌تر و عمیق‌تری در این زمینه پی خواهیم بود.

در پایان، لازم می‌دانم از خانم دکتر سارا شریعتی، استاد ارجمندم، تشکر و قدردانی کنم که اگر راهنمایی‌های راهگشایش نبود، این کار هرگز به ثمر نمی‌رسید. از اینکه سال‌هاست دانشجوی ایشان هستم، به خود می‌بالم.